

فرازهایی از تاریخ پرچالش اسلام آغازین

روزبه یوسفی



نقد فرهنگ

۱۳۹۸

سرشناسه: یوسفی، روزبه، ۱۳۲۶ -

عنوان و نام پدیدآور: فرازهایی از تاریخ پرچالش اسلام آغازین / روزبه یوسفی.

مشخصات نشر: تهران: نقد فرهنگ، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۰۵-۹۹-۳

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه

موضوع: اسلام - تاریخ - از آغاز تا ۱۶ ق.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ف۹ ی/۶۳/۳۵ BP

رده‌بندی دیویی: ۹۰۹/۰۹۷۶۷

ماره کتابشناسی ملی: ۵۵۹۸۴۱۰



نشانی: پردیس، میدان عدالت، خ فروردین جنوبی، خ سیدی خندان، مجتمع قائم، ۱، بلوک A2، واحد ۲۰۳

مراکز پخش: ۷۶۶۱۰۷۰۱، ۴۶۰۰۹۹، ۶۶۴۸۶۵۳۸

تلفن: ۷۶۲۷۶۷۴۸

نام کتاب: فرازهایی از تاریخ پرچالش اسلام آغازین

نویسنده: روزبه یوسفی

نوبت چاپ: اول

سال انتشار: ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۰۵-۹۹-۳

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات نقد فرهنگ است.

فهرست مطالب

۱۱.....	درباره
۱۷.....	فصل اول: چرا تاریخ اسلام آغازین مهم است؟
۱۸.....	یکم. تأسیس امپراتوری عربی-اسلامی
۱۹.....	دوم. جنگ‌های رده
۲۱.....	سوم. تدوین قرآن
۲۳.....	چهارم. جنگ‌های دین علی
۲۵.....	پنجم. تبدیل خلافت شورایی به حکومت موروثی
۲۹.....	فصل دوم: آیا می‌توان به منابع تاریخی اسلام اعتماد کرد؟
۲۹.....	تحریر محل نزاع
۳۱.....	بیان چند نکته روشنگر
۴۲.....	جمع‌بندی
۴۳.....	فصل سوم: تأملی در علل چند همسری پیامبر و سن و پیشا
۴۳.....	درآمد
۴۴.....	زندگی‌نامه همسران پیامبر
۵۰.....	تحلیلی از رفتار خانوادگی پیامبر و چند همسری وی
۵۷.....	فصل چهارم: مبانی نظری تحلیل نسبت مسلمانان و یهودیان
۵۷.....	تاریخچه ارتباط مسلمانان و یهودیان
۵۸.....	تاریخچه حضور یهودیان در شبه جزیره عربستان
۶۳.....	مبانی نظری تحلیل نسبت مسلمانان و یهودیان
۶۷.....	فصل پنجم: تبعید یهودیان بنی قینقاع و چرایی چند ترور مخالفان یهودی
۶۷.....	درآمد

۶۷	آغاز درگیری‌های مسلمانان با یهودیان
۷۰	تبعید بنی قینقاع از مدینه
۷۲	قتل چند تن از یهودیان
۷۳	تحلیلی بر چرایی این قتل‌ها
۷۵	حرمت شرعی غافل‌کشی (ترور)
۷۸	حیه ناموجه
۸۳	فصل ششم: اخراج یهودیان بنی نضیر از مدینه
۸۳	درآمد
۸۴	چگونگی رخداد تبعید بنی نضیر
۸۵	بررسی مصادیق تاریخی (مصادره اموال و آتش زدن نخل‌ها)
۹۱	فصل هفتم: بازگشت ماجرای کشتار یهودیان بنی قریظه
۹۱	گزارشی از چگونگی رخداد بنی قریظه
۹۳	گزارش مقاله «نگاهی نو بر ماجرای بنی قریظه و یهودیان مدینه»
۱۰۵	فصل هشتم: آنچه در خیر گذشت
۱۰۵	الف. چگونگی و چرایی پیکار خبیث
۱۰۹	ب. چند نکته تحلیلی در واقعه خبیث
۱۱۵	فصل نهم: تأملی در باب حمله مسلمانان به کربله و بنی قریش
۱۱۵	تحریر محل نزاع
۱۱۶	چند نظریه در تحلیل و تعلیل حملات نظامی به کاروان
۱۱۹	جمع‌بندی نظریه‌ها
۱۲۱	فصل دهم: نقد و بررسی حدیث «الانمه من قریش»
۱۲۱	درآمد
۱۲۱	طرح موضوع
۱۲۳	نقد و بررسی حدیث
۱۲۹	فصل یازدهم: واکاوی رخداد جنگ‌های رده در زمان ابوبکر
۱۲۹	درآمد
۱۲۹	گزارشی از چگونگی رده و جنگ‌های مرتبط با آن
۱۲۹	رده چیست؟

۱۳۳.....	کاوشی در چرایی جریان رده
۱۳۴.....	واقعیت جریان رده
۱۳۷.....	انگیزه‌های سیاسی در سرکوب رده
۱۴۱.....	تأملی در حکم زکات به عنوان مالیات اجباری
۱۴۹.....	موضع امام علی (ع)
۱۵۱.....	جمع‌بست گفتار
۱۵۳.....	فصل دوازدهم: تحلیلی نو بر شورش‌های علیه عثمان
۱۵۳.....	درآمد
۱۵۳.....	الف. دلایل و عوامل سنتی شورش بر ضد عثمان
۱۵۳.....	۱. سوءاستفاده از امداد عمومی
۱۵۹.....	۲. برکشدن خاندان و امویان در تمام امور
۱۶۲.....	۳. خشونت پایدار علیه مخالفان و معترضان
۱۷۱.....	ب. نگاهی دوباره به شورش‌ها و وزگار عثمان
۱۷۹.....	فصل سیزدهم: کنکاشی در چگونگی چرایی حکمیت
۱۷۹.....	چگونگی رخداد حکمیت
۱۸۱.....	الف. تأملی در ابعاد مختلف حسیت
۱۸۳.....	ب. قرآن چگونه می‌توانست داور در حکمیت باشد؟
۱۹۲.....	پ. ابو موسی اشعری و حکمیت
۱۹۴.....	ت. نقش اشعث بن قیس
۲۰۱.....	فصل چهاردهم: چرا امام علی (ع) به دادخواهی قتل عثمان رسیانی نکرد؟
۲۰۱.....	درآمد
۲۰۲.....	الف. چند نکته در باب نقش و مسئولیت علی (ع) در ارتباط با قتل عثمان
۲۰۲.....	یکم. به نقل عموم منابع علی (ع) در قتل عثمان مشارکتی نداشته است
۲۰۳.....	دوم. به گزارش عموم منابع، علی (ع) تا پایان مدافع عثمان در برابر شورش او بود
۲۰۵.....	سوم. معاویه خود متهم به تقصیر در قتل عثمان است
۲۰۷.....	چهارم. قاتلان عثمان چه کسانی بودند؟
۲۰۹.....	پ. انگیزه‌های معاویه و امویان در خونخواهی عثمان
۲۱۳.....	فصل پانزدهم: موقعیت عقیدتی پیکارگران بر ضد امام علی (ع)

درآمد	۲۱۳
الف. اهمیت رخداد جمل و پیامدهای اعتقادی آن	۲۱۴
ب. وضعیت اعتقادی اصحاب صفین	۲۲۴
پ. تأملی در اخبار مربوط به لعن متقابل معاویه و علی ^(ع)	۲۲۷
درنگی در مفهوم لعن و لعنت در ادب دینی	۲۳۰
ت. آیا علی ^(ع) خوارج را کافر دانسته است؟	۲۳۱
فصل نهم: بازنگری در آمار و ارقام تلفات جنگی (جمل، صفین، نهروان و کربلا)	۲۳۵
درآمد	۲۳۵
الف. شمار جمل	۲۳۷
ب. پیکار نهروان	۲۴۱
پ. پیکار نهروان	۲۴۴
ت. پیکار کربلا	۲۴۷
فصل هفدهم: بازنگری در حکم جنگی مجازات ابن ملجم	۲۵۵
درآمد	۲۵۵
تیپ شناسی ابن ملجم	۲۵۵
تأملی در چگونگی مجازات ابن ملجم	۲۵۶
فصل هجدهم: صلح امام حسن ^(ع) ؛ آیا امام حسن را به پول فروخت؟	۲۵۹
درآمد	۲۵۹
استراتژی اصلی امام حسن جنگ بود یا صلح؟	۲۶۰
پیشنهاد دهنده صلح؛ امام حسن یا معاویه؟	۲۶۴
شروط صلح	۲۶۶
آیا امام حسن خلافت مشروع خود را به پول فروخت؟	۲۷۱
فصل بیستم: انگیزه‌ها و زمینه‌های اجتماعی رخداد کربلا	۲۷۹
درآمد	۲۷۹
الف. انگیزه‌ها و زمینه‌های اجتماعی رخداد کربلا	۲۸۰
ب. زمینه‌های دینی و اجتماعی منازعه بر سر مشروعیت خلافت	۲۸۶
پ. بررسی چند مؤلفه در تحلیل و تحلیل جنبش امام حسین ^(ع)	۲۸۹
یکم. امر به معروف و نهی از منکر	۲۹۰

۲۹۲	دوم. ظلم ستیزی و مبارزه با ستم
۲۹۳	سوم. اصلاح در دین
۲۹۷	ت. جمع‌بندی و تحلیل
۲۹۹	فصل بیست و یکم: بازتفسیر قیام امام حسین ^(ع) و رخداد کربلا در بستر تاریخ اسلام
۲۹۹	درآمد
۲۹۹	اهمیت داستان کربلا در تاریخ اندیشه و ادب شیعی
۳۰۱	تنامیر مختلف از واقعه کربلا و عاشورا
۳۰۱	ا. تفسیر جنبش اعتراضی بر ضد ظالمان
۳۰۳	ب. تفسیر معنوی و اخلاقی
۳۰۴	پ. تفسیر با جهت‌گیری ضد سنی
۳۰۴	ت. بازنگری اخلاقی و معنوی
۳۰۵	ث. تفسیر برای امامت و ولایت؛ پیوند تشیع با ملیت، مسیحیت و تصوف
۳۰۶	ج. تفسیر ظلم‌سبیزی و عدالت‌خواه و انقلابی در روزگار اخیر
۳۱۵	چ. واکنون امام حسین ^(ع) به مثابه «شهید صلح»
۳۱۷	کتابنامه

دیباچه

هرچند «تاریخ» نزمانند دیگر برساخته‌های بشری، تعریف ثابت و جامع و مانعی ندارد؛ ولی رچه که است، علم آگاهی و بستر آگاهی بخشی است. تاریخ عمومی جهان، برای عموم مردم جهان، منبع آگاهی است و تاریخ اختصاصی یک کشور برای مردمان همان کشور و حتی یک نگاری تاریخی یک شهر و یا یک روستا نیز برای مردمان محدود همان شهر و روستا، منبع تولید انواع معرفت و آگاهی شمرده می‌شود. دلیل اصلی این خصلت عام تاریخ نیز خصلت هویت بخشی آن است. تاریخ به مثابه ریشه و یا تنه درختی کهنسال است که شاخه‌ها و برگ‌های پرشماری بر آن تنه و ریشه رویده‌اند. برای انکشاف واقعیت‌های جاری و گشودن افق‌های آینده، برگ‌ها به شاخه‌ها و شاخه‌ها به تنه اصلی و تنه نیز به ریشه نیاز دارند.

البته هیچ مردمی بی تاریخ نبوده و نیستند؛ اما در ملت‌ها و امم مختلف و در جمع ملل جهان چند کشور و ملت‌اند که از ریشه‌های عمیق و تنه‌های تنواری برخوردارند. این ملت‌ها از یک سوبه معنای دقیق و مدرن کلمه «ملت» و از وابستگی دیگری با ریشه دواندن در اعماق تاریخ چند هزار ساله تمدن بشری، سهمی مهم در ایجاد تنه‌های متنوع و مشترک تمدن و فرهنگ بشری و پربرگ‌ویار کردن ملت‌ها و رنگارنگ تمدن عمومی و یا منطقه‌ای جهان سهمی بی‌بدیل ایفا کرده‌اند. از آنجا که به تعبیر درست ویل دورانت «مشرق زمین گاهواره تمدن» است، ملت‌ها و یا کشورهایی چون چین، هند و ایران (و البته مصر در شمال آفریقا و یونان در حد فاصل بین اروپا و آسیا) از کهن‌ترین و اثرگذارترین ملت‌های جهان به شمار می‌آیند.

هر ملتی دارای مؤلفه‌های تا حدودی مشخص اما پیچیده‌ای برای تأسیس و تشکیل هویت ملی است. از جمله در این میان، دو مؤلفه از اهمیت بیشتری برخوردار است. یکی زبان است و دیگری دین. دین به معنای عام و جامعه‌شناختی آن (اشکال نیایش و یا امور معطوف به امر قدسی) تقریباً همزاد بشریت است. پژوهش‌های تاریخی و باستان‌شناسی گواه است که از دوران غارنشینی، نوعی از باورهای ندسی و آسمانی (متافیزیکی) وجود داشته و هرچه سیر تکاملی آدمی در تمدن‌سازی و فرهنگ‌پروری شتاب بیشتری گرفته، دین‌های بیشتر و متنوع‌تری پدید آمد. در دوران آری در اشکال مختلف خداباوری (یا باور به خدایان) و انواع نیایش و زودنیهور یافته است. شاید اوج دین‌باوری در قرون وسطای مغرب‌زمین باشد که ویل دورانت از آن تحت عنوان «عصر ایمان» یاد می‌کند. قرون وسطا اجمالاً به سده‌های ششم تا شانزدهم میلادی گفته می‌شود.

ایرانیان از دوران پیشاتاریخ (به‌طور مشخص پیش از مادها) دارای دین‌های مختلف و متنوع بوده‌اند. این متنوع همزمان و یا در طول هم پرستیده می‌شدند. بی‌تردید مهم‌ترین و اثرگذارترین دین ایرانی باستان، دین زرتشت است. تاریخ‌زادن و زندگی زرتشت دقیقاً دانسته نیست؛ ولی حداقل از اوایل هزاره نخست پیش از میلاد نشانه‌هایی از آموزه‌های زرتشت در برخی جای ایران دیده شده است. با این همه، تا روزگار ساسانیان، «اهورامزدا» به عنوان خدای خدایان و یا خدای یگانه پرستیده می‌شد و در این دوران طولانی، کمتر از دینی سازمان‌یافته و دارای دستگاه اعتقادی سامانمند و به‌ویژه دین عمومی و رسمی حکومتی و یگانه در تمام سرزمین ایران، نشان‌هایی دیده می‌شود. دین رسمی و عمومی و یگانه، را آغاز روزگار ساسانی شکل می‌گیرد و در طول بیش از چهارصد سال عصر ساسانی گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌شود و در نهایت به انحطاط کشیده شده و در برابر دین تازه نفس عربی (اسلام) زانو می‌زند و از پای در می‌آید.

پس از زوال پادشاهی دیرین ساسانی که حامی و پاسدار مقتدر دین زرتشتی و نهاد دینی رسمی آن یعنی نهاد روحانی موبدان بود، این دین نیز با شتاب باورنکردنی محدود شد و پس از حدود دو قرن تقریباً از جغرافیای اعتقادی ایران‌زمین محو شد. از

اوایل قرن هشتم میلادی، دین اسلام دین عمومی و رسمی اکثریت ایرانیان شد. زبان عربی جای زبان پارسی کهن را گرفت. با اینکه از سده چهارم هجری به بعد به تدریج ایرانیان خود را بازیافته و حداقل توانستند زبان و فرهنگ کهن ایرانی و ملی خود را بازسازی کنند (هرچند در پرتوزبان و ظرفیت محتوایی و فکری دین اسلام و بیشتر تشیع) اما تا زمان صفویه هرگز نظام سیاسی مستقل ایرانی شکل نگرفت. پس از صفویان شیعی، روند ایرانی سازی در پرتو تشیع از نوع صفوی، نمود استوارتری پیدا کرد. این روند در عصر قاجاران و حتی پهلوی نیز ادامه یافت. وقوع انقلاب ایران و دوران جمهوری اسلامی، از منظر پیوند ملیت و دین، دارای سمت و سوی متفاوتی است که نیازی به بررسی جداگانه دارد.

اگر بازگردیم به گره های آغازین این دیباجه، می توان گفت اگر قرار بر شناخت تنه و ریشه های تاریخ ملی ما باشد، بی گمان اطلاع و آگاهی نسل امروز از دین به مثابه یکی از چند عامل استوار هویت ملی ما مهم و الزامی است و غیرقابل چشم پوشی. البته مراد از این مقام دین و در واقع دین ها به معنای عام آن است. هرچند امروز پرستش خدای چون آناهیتا و میترا به کلی منتفی است و اهورامزداپرستی در پوشش دین زرتشتی، اندکی رایج است و برخی ایرانیان بدان متمسک اند؛ ولی همین دین نیز دین است که در تاریخ و جغرافیای ایران اثری آشکار و مؤثر ندارد. با این همه، آموزه ها و آثار فقهی، اعتقادی تمام دین های عصر باستان، البته آنها که حضوری دیرپا داشتند و به ویژه دین زرتشتی، همچنان (هرچند در زیر پوست آموزه های اسلامی و شیعی) در تار و پود فکر، ذهنیت و فرهنگ و ادب ما حضور دارند و مستقیم و غیرمستقیم، حضور خدایان می دهند و در زندگی معنوی و مادی ما نقش خود را بازی می کنند.

با توجه با این ملاحظات، هرچند شناخت تمام دین های ایران را ایرانی از گذشته های دور تا کنون مهم است و در جای خود ضروری، اما در این میان، اسلام و به ویژه تشیع بیش از همه مهم است و ناگزیر هستیم سیر و ضرورت اسلام شیعی را در قلمرو ایران زمین با دقت علمی و بدون پیشداوری های بیمارگونه و افراطی و تفریطی، بشناسیم و مورد واکاوی روشنگرانه و مفید قرار دهیم. این واکاوی ها و چون و چراها،

نیش قبر و از باب تفنن نبوده و نیست؛ بلکه یک ضرورت علمی و ملی زمانه برای بازیابی تاریخ و فرهنگ ملی ایرانی است. از آنجاکه ایرانیان علی‌العموم مسلمان و شیعه‌اند، چنان واکاوی‌هایی لاجرم صبغه پررنگ اسلامی و شیعی هم دارد.

می‌دانم که دیری است (حداقل از عصر باستان‌گرایی پهلوی اول) شماری حتی در قالب پژوهش‌های علمی و تاریخی تلاش کرده و می‌کنند که یا عصر پسین هزار و چهارصد ساله اسلامی را به کلی نادیده بگیرند و یا حتی این دوران را انکار کنند و در نهایت ایرانیّت و هویت و ملیّت ایرانی را صرفاً در ایران پیش از اسلام تعریف و جست‌وجو کنند، ولی چنین تلاشی نه علمی است و نه در نهایت مفید و کارساز؛ این درست مانند آن است که کسانی در مغرب زمین مسیحیت را (که دینی است اساساً شرقی و کاملاً یهودی) از تاریخ دو هزار ساله متأخر این قاره و دیگر نواحی جهان مسیحی و نیمه مسیحی حذف کنند و آن را نادیده بگیرند و یا بدتر آن را انکار کنند. مسیحیت در تاریخ غرب و دیگر نواحی مسیحی نشین چنان با تار و پود تمدن و فرهنگ مردمان این نواحی و سرشت و برونویشان آمیخته و در نیک و بدشان نقش ایفا کرده که تنها راه مواجهه با آن در مرحله نخست قبول واقعیت‌ها و در مرحله بعد شناخت دقیق و علمی و منصفانه و بی‌طرفانه تاریخی تحولات ذهنی و عینی مسیحیت است و بس؛ کار بایسته‌ای که نزدیکان دینی است به نیکی انجام می‌دهند. برای ما ایرانیان، با هر گرایش فکری و سیاسی و عقیدتی، راهی جز مواجهه علمی و پژوهش‌گرانه و منصفانه با تاریخ‌مان و از جمله تاریخ دین‌های کهن و بعد اسلام و تشیع پیشاصفوی و پساصفوی نیست.

آنچه در این مجموعه گرد آمده، تلاش اندک و محدودی است بدین حصول چنین منظور و هدفی. اما در اینجا لازم است به چند نکته ضروری اشاره کنم.

نخست اینکه، هر چند نویسندگان خود مسلمان و شیعه است، ولی به تأکید می‌گویم که نویسندگان در مقام یک مورخ سخن می‌گویند و نه لزوماً در مقام یک متکلم مسلمان و شیعه. یعنی مؤلف این نوشتار، در مقام اثبات و یا نفی هیچ عقیده و فکری نیست؛ مگر آنچه به عنوان یک پژوهش‌گر بدان رسیده است. داوری درباره عقاید و باورهای مذهبی بر عهده متکلمان (تئولوگ‌ها) است و نه مورخان. از این رو

اگر کسی در این قلمرو، نقد و نظری دارد، ناگزیر می‌بایست از منظر علمی و پژوهشگرانه و مستند به مصاف بیاید و به نقد و بررسی دست بزند.

با این حال گفتنی است که یافته‌ها و دیدگاه‌های نویسنده با هیچ‌یک از اصول بنیادین و اعتقادی اسلام شیعی در تعارض قرار ندارد. گزاف نیست گفته شود که در این نوشتارها کلام و تاریخ کم و بیش سازگار افتاده‌اند و حداقل هم‌خانه‌اند.

نکته مهم دیگر آن است که نه تاریخ اسلام منحصر به قرن نخست و آغازین است و نه اسلام آغازین محدود به این چند موضوعی است که در این کتاب بازتاب یافته است. بخش مهمی از اسلام آغازین جزیره نبوی، ماجراهایی چون رخداد سقیفه و دوران حلفای راشدین و فتح ایران و به‌ویژه دوران خلافت امام علی بن ابی‌طالب در ارتباط با این و بعد از عصر معاویه و به‌ویژه وقوع رخداد کربلا و شهادت امام حسین (ع) در قلمرو تاریخی «ایران شهر» (عراق) و تأثیری که در اسلام و تشیع و ایران گذاشت و آنگاه قیام مختار ثقفی و نقش ایرانیان در آن جنبش مهم و سپس عصر امویان و بیشتر عصر خلافت عبدالملک بن مروان باز در ارتباط با ایران زمین و تحولاتی که در این دوران بیست ساله اتفاق افتاد و... همه و همه، رخدادها و تحولات مهمی‌اند که هم در تاریخ اسلام و به تبعی عام آن مهم‌اند و هم در ارتباط با تاریخ ایران و هویت ملی و فرهنگی ایرانیان اثرگذارند و از این رو قابل بحث و بررسی مداوم هستند.

با این همه، در این مجموعه، از باب نمونه، چند موضوع محدود برای کمک به آگاهی بخشی انتخاب شده است. با توجه به محدوده موضوعات، عنوان مجموعه نیز «فرازهایی از تاریخ پرچالش اسلام آغازین» انتخاب شده است. در واقع در این عنوان، سه نکته مورد توجه بوده است. اول، «فرازهایی» (نه تمام تاریخ قرن نخست)، دوم، «پرچالش» (باز نه تمام تاریخ و نه حتی تمام محورهای پرچالش)، سوم، قید «آغازین» است. روشن است که در اینجا مراد تاریخ نیمه اول قرن نخست هجری است. در فصل اول این کتاب به دلایل مهم بودن تحولات قرن نخست و به‌طور خاص نیمه نخست، پرداخته و در این مورد استدلال شده است.

گفتنی است که با توجه به گذرا و گزینشی بودن رخدادهای تاریخی همان

محدوده قرن اول، بیش از همه، به موضوع مواجهه مسلمانان و یهودیان اختصاص یافته است و این به دلیل اهمیت برخوردهای این دو طایفه است. می‌دانیم که در طول این هزار و چهارصد سال، موضوع برخوردهای مسلمانان با یهودیان مدینه، بسیار مورد مناقشه بوده و حتی در روزگار ما نیز اهمیت خود را از دست نداده است.

در هر حال امیدوارم که این مقالات در حد خود بتواند، هم به آگاهی‌های دینی ما (در ریشه جوانان مسلمان) کمک کند و هم به سهم خود به بازیابی هویت ایرانی (چنان غیرمسلمان اما ایرانی ملی‌گرا) یاری رساند. اگر روایت فردوسی حکیم را قبول کنیم که در اول، در ایران زمین چون شیرو شکر چندان به هم آمیخته‌اند که نمی‌توان حدای آن‌ها کرد، اهمیت تاریخ‌نگاری‌ها و تاریخی‌نگری‌هایی این چنین، آشکارتر می‌شود. ساسانیان، نخستین دولت در تاریخ‌اند که «دولت دینی» (تئوکراتیک) بنیان نهاده‌اند. پس از اسلام نیز (هرچند با تفاوت‌هایی) همان سنت در اسلام و در ایران بازسازی شده، تدبیر پیدا کرده است. این ویژگی، بازنگری در تاریخ ایران را بیش از پیش، مهم و ضروری می‌کند.

در پایان از ناشر محترم و دست‌اندرکاران «نقد فرهنگ» و به‌ویژه مدیر فرهیخته آن که هم فرهنگ را می‌شناسد و هم به نقد سنت انتقادی باور دارد، جناب دکتر بیژن عبدالکریمی صمیمانه سپاسگزارم. زیرا اگر سنت یشانه نبود، انتشار این مجموعه میسر نمی‌شد.

ژوردین ۱۳۹۸

روژن یوسفی